

پیشگفتار

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ.^۱

نوشتاری که پیش رو دارید، درسنامه‌ای پژوهش‌محور در موضوع کلام جدید (فلسفه دین) است. آنچه در میان مسلمانان، دست کم از قرن دوم هجری،^۲ به «علم کلام» شهرت یافته، دانشی است که به تبیین و اثبات عقاید اسلامی و دفاع از آنها می‌پردازد. این علم - به دلیل آنکه مبانی عقیدتی و «اصول دین» (و در رأس آنها، مسئله توحید و صفات خداوند) را بررسی می‌کند - به نامهای دیگری چون «فقه اکبر»^۳ (در برابر فقه اصغر که بیان تکالیف عملی و «فروع دین» را بر عهده دارد)، «علم توحید و صفات» و «علم اصول دین» نیز خوانده شده است.^۴ دلیل نام‌گذاری

۱. اعراف (۷)، ۴۳.

۲. بعضی از نویسندگان با استناد به روایاتی، زمان پیدایش اصطلاح «کلام» را دوران حیات پیامبر اسلام می‌دانند (ر.ک: محمد عبدالحلیم، «کلام قدیم»، ترجمه محسن جهانگیری، در: تاریخ فلسفه اسلامی، زیر نظر سیدحسین نصر، ج ۱، ص ۱۳۱-۱۳۳).

۳. چنان‌که دو تن از پیشوایان فقهی اهل سنت، ابوحنیفه (متوفای ۱۵۰ ق) و محمد بن ادریس شافعی (۱۵۰-۲۰۴ ق)، کتاب اعتقادی خود را *الفقه الاکبر* نامیده‌اند (ر.ک: علی قاری قادری، شرح الفقه الاکبر للامام ابی حنیفه؛ محمد بن یسن بن عبدالله، *الکوکب الازهر شرح الفقه الاکبر للامام الشافعی*). هر چند در درستی انتساب این دو کتاب به ابوحنیفه و شافعی تردیدهایی نیز وجود دارد (ر.ک: حاجی خلیفه، *کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون*، ج ۲، ص ۱۲۸۷-۱۲۸۸؛ علی سامی نشار، *نشأة الفكر الفلسفی فی الاسلام*، ج ۱، ص ۲۳۸).

۴. ر.ک: نصیرالدین طوسی، *تلخیص المحصل*، ص ۱؛ ابن میثم بحرانی، *قواعد المرام فی علم الکلام*، ص ۲۰؛ سعدالدین تفتازانی، *شرح المقاصد*، ج ۱، ص ۱۶۴؛ عبدالرزاق لاهیجی، *شوارق الالهام*، ص ۶.

این علم به «کلام» را می‌توان وجوهی از این دست دانست:
 الف) در نخستین آثاری که در این موضوع نگارش یافته‌اند، بخشهای مختلف نوشتار با عنوان «الكلام فی ...» از یکدیگر جدا شده‌اند.^۱
 ب) یکی از مسائل بحث‌برانگیز و آغازین این علم، قدیم یا حادث بودن «کلام خداوند» بوده است.
 ج) با فراگیری این علم، آدمی بر سخن گفتن (تکلم) در امور اعتقادی توانا می‌گردد.

د) قوت استدلالهای به‌کاررفته در این علم به گونه‌ای است که گویا بر آموزه‌های علوم دیگر، در مقایسه با این علم، نمی‌توان نام سخن (کلام) نهاد.
 ه) چنان‌که فیلسوفان از دانشی بهره می‌برند که «منطق» نام گرفته است، عالمان دینی نیز نامی مشابه برای دانش خود برگزیده‌اند (کلام - همچون منطق - در لغت به معنای «سخن» است). به بیان دیگر، چنان‌که «منطق» آدمی را بر سخن گفتن در عقلیات توانا می‌سازد، «کلام» توان گفت‌وگو دربارهٔ شریعات را فرونی می‌بخشد.^۲
 به هر حال، امروزه گاه وصف «جدید» را نیز به «کلام» می‌افزایند و از تعبیر «کلام جدید» استفاده می‌کنند. مقصود از این اصطلاح و نسبت آن با اصطلاحاتی چون «فلسفه دین» و «الهیات فلسفی» در فصل اول این نوشتار خواهد آمد.
 در آغاز سخن، به منظور آشنایی اجمالی با ویژگیهای این اثر و ارائه توصیه‌هایی برای بهره‌وری بیشتر از آن، خواننده را به چند نکته توجه می‌دهیم:
 ۱. هدف از نگارش این کتاب، صرفاً پدید آوردن متنی آموزشی در موضوع

۱. این ویژگی هم‌اکنون در آثار زیر (مربوط به قرن چهارم هجری) به چشم می‌خورد: ابوالحسن اشعری، *الابانة عن اصول الدیانة*؛ همو، *اللمع فی الرد علی اهل الزيغ والبدع*؛ قاضی ابوبکر باقلانی، *تمهید الاوائل*؛ قاضی عبدالجبار معتزلی، *المغنی*.

۲. محمد بن عبدالکریم شهرستانی، *الملل والنحل*، ج ۱، ص ۳۰؛ قاضی عضدالدین ایجی، *المواقف*، ص ۸-۹؛ سعدالدین تفتازانی، *شرح المقاصد*، ج ۱، ص ۱۶۴-۱۶۵؛ همو، *شرح العقائد النسفیة*، در: *حاشیة الکستلی علی شرح العقائد*، ص ۱۵. همچنین، ر.ک: عبدالرحمان بن خلدون، *تاریخ ابن خلدون*، ج ۱، ص ۴۹۷.

یادشده نبوده است؛ یکی از اهداف اصلی نویسنده آن بوده که در پژوهشهایی که در این موضوع انجام می‌گیرد، سهم شود و به‌ویژه در بومی‌سازی مباحثی که رنگ و بوی غربی دارند، بکوشد.

۲. فصلهای مختلف این نوشتار، در عین رعایت اختصار، از جامعیتی نسبی برخوردارند؛ به گونه‌ای که گاه در ذیل یک موضوع نکاتی می‌توان یافت که در آثار مستقلی که به همان موضوع پرداخته‌اند، به چشم نمی‌خورند. جمع میان این دو ویژگی (اختصار و جامعیت) ممکن است مطالعه این اثر را برای برخی از دانشجویان (به‌ویژه آنان که «درس‌نامه آموزشی» را با «خودآموز درسی» برابر می‌انگارند) دشوار سازد. حتی در مباحث فرعی و حاشیه‌ای نیز غالباً بنای ما بر «جامعیت در تحقیق» و «گزیده‌گویی در نگارش» بوده است؛ گاه مطالب یک کادر یا پاورقی کوتاه محصول چند ساعت پژوهش همراه با بهره‌گیری از نرم‌افزارهای رایانه‌ای است.

۳. تا آنجا که ممکن است، تلاش کرده‌ایم خواننده را به منابع دست اول ارجاع دهیم. همچنین، برای رعایت حال خوانندگان، گاه در کنار استفاده از منبعی به زبان اصلی، به ترجمه فارسی آن نیز ارجاع داده‌ایم. نکته‌ای که در اینجا بر آن تأکید می‌ورزیم، آن است که استفاده از کتابهایی که از زبانی دیگر ترجمه شده‌اند، لزوماً به معنای تأیید ترجمه آنها نیست.

۴. مطالبی که در کادرها آمده‌اند، غالباً به منظور جلب مشارکت دانشجویان و فعال‌سازی آنان طراحی شده‌اند. این کادرها گاه به نکته‌ای تکمیلی (و احیاناً استطرادی) اشاره می‌کنند، و گاه به مطالب متن، عمق بیشتری می‌بخشند. توصیه ما به اساتید محترم آن است که از این فعالیت‌های میان‌درسی به سادگی نگذرند و به گونه‌ای شایسته از آنها بهره ببرند. با این همه، این کادرها متن درسی را انعطاف‌پذیر می‌سازند و در صورت صلاحدید اساتید گرامی، می‌توان برخی از آنها را حذف، یا به خود دانشجویان واگذار کرد.

۵. تدریس کامل این کتاب، دست‌کم نیازمند فرصتی معادل چهار واحد درسی است. با این حال، اساتید محترم می‌توانند با در نظر گرفتن مؤلفه‌هایی

چون مقطع تحصیلی دانشجویان و پیشینه مطالعاتی آنان، فصلهای خاصی را برای تدریس برگزینند.

در پایان وظیفه خود می‌دانم از تلاش همه کسانی که در به سامان رسیدن این اثر سهیم بوده‌اند، به‌ویژه اساتید گرانقدرم آقایان دکتر احمد احمدی و دکتر محمود فتحعلی - که از رهنمودهای ارزشمندشان بهره‌ وافر برده‌ام - تشکر و قدردانی کنم. پیگیریهای مجدانه جناب آقای سیدابوالفضل حسنی، مدیر محترم تدوین متون مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی و همکاران ایشان و زحمات مسئولان محترم سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت) نیز درخور تقدیر فراوان است.

گفتنی است که نگارش این کتاب - که گاه با وقفه‌هایی نسبتاً طولانی نیز همراه بوده - پنج سال به طول انجامیده، و حدود نیمی از آن (پنج فصل از فصول دوازده گانه) در سال ۱۳۸۳ از سوی کنگره دین پژوهان کشور به‌عنوان پژوهش برتر برگزیده شده است.

و آخرِ دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

حسن یوسفیان